

ارزیابی امکان دفاع پیشدستانه ایران علیه داعش از منظر حقوق بین الملل کیفری

محمد نجفی^۱

کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار

چکیده

گروهک تروریستی داعش معادل عبارت دولت اسلامی عراق و شام، به عنوان حکومتی خودخوانده و نیز با ادعای خلافت اسلامی در منطقه ی عراق و شام؛ با حملات گسترده و ایجاد ناامنی های فراوان در مرزهای کشور ایران، اِعمال اقدامات شنیع ضدبشری و جنایات بین المللی مندرج در اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی، دشمنی خود را با هرکس که با عقاید ایشان مخالف باشد و به خصوص شیعیان را اعلام داشته و تهدیدات خود را مبنی بر حمله در آینده ای نزدیک به کشور ایران و تسلط و حکومت بر این کشور به صورت علنی اعلام نمود. مطابق با بند ۴ ماده ی ۲ منشور ملل متحد توسل به زور ممنوع است، لکن بر این اصل دو استثنا دفاع مشروع فردی و جمعی مطابق با مواد ۳۹ و ۴۱ همین منشور برای کشور مورد حمله یا تهدید به حمله قرار گرفته؛ به رسمیت شناخته شده است که با توجه به اصل ۵۱ منشور ملل متحد و مطابقت اقدامات این گروهک با جنایات و جرایم بین المللی دیوان کیفری دائمی رُم، حق دفاع مشروع ان هم به صورت پیشدستانه و با توسل به اقدامات مسلحانه و نظامی برای دولت ایران به وضوح ایجاد گردید. این پژوهش در پی آن است که به بررسی امکان و یا عدم امکان دفاع پیشدستانه ایران علیه داعش از منظر حقوق بین المللی بپردازد. روش مورد استفاده توصیفی، تحلیلی بوده که با استفاده از جمع آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و استفاده‌ی مستقیم و غیرمستقیم همچون مراجعه به کتب، مقالات، اسناد و مدارک، این تحقیق پدید آمده است.

واژگان کلیدی: داعش، دفاع پیشدستانه، حقوق بین الملل کیفری

^۱ نویسنده مسئول: mmirza1000@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

گروهک تروریستی داعش با اعلام شخص ابوبکر البغدادی به عنوان خلیفه ی دولت اسلامی خود خوانده اش، اعلام موجودیت و بازگردانی تمام آنچه در دوران امپراطوری عثمانی تحت حاکمیت اسلام بود را مدعی شد. این گروهک باتصرف بخش های زیادی از عراق و سوریه و نیز بخشهایی از لیبی و نیجریه با حمایت های غربی- عربی خویش موجودیت کشورهای منطقه به خصوص خاورمیانه را با تهدیدی جدی روبرو ساخت و بدنبال آن شاهد جنایات ضد بشری مانند انواع حملات تروریستی، قتل ها و جنایات و ... بودیم که از افکاری مبنی بر مبنی بر پاداش های دنیوی و اخروی در به قتل رساندن اهل تشیع و آن دسته از اهل تسنن که با عقاید ایشان مخالف بودند نشات می گرفت .

بدنبال این رویدادها تهدیدات جانی و امنیتی علیه کشورهای همسایه و از جمله ایران جدی تلقی گردید و ایران برای دفاع از خود و رفع تهدیدات گسترده و تعدیات احتمالی بعد از آن بدنبال استفاده از قوانین مشروع بین المللی برای دفاع برآمد، مطابق بند ۴ ماده ی ۲ منشور ملل متحد در بیان منع توسل به زور توسط کشورها برآمده است به جز دو استثنا ی دفاع مشروع و اقدامات شورای امنیت، توسل به زور برای کشورهای را ممنوع ساخته است. در اجرای حق دفاع از خود، کشورها مطابق اصل ۵۱ منشور ملل متحد میتوانند به زور متوسل شوند. این حق تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت عمومی به جا نیاورد، برای کشورهای عضو پابرجاست

با توجه به اصول بین المللی و اصول بین الملل کیفری کشور ایران می تواند در حالتی انفعالی منتظر وقوع حملات مسلحانه و تهاجم های نظامی و غیرنظامی از سوی داعش برای استفاده از حق دفاع مشروع بماند؛ یا آن که با تهدیدات و دشمنی های پرواضح داعش با کشور و دولت ایران و نیز بیانات گسترده ی این گروهک جهت حمله به کشور ایران در آینده به صورت پیشدستانه از هجوم و خطرات بالفعل و یا بالقوه ی داعش جلوگیری نماید.

این پیشگیری دولت ایران به صورت توسل به زور جهت دفاع از خویش و یا اقدامات مسلحانه و ایجاد مانع از آسیب رساندن به امنیت کشور تا چه حد از منظر حقوق بین الملل کیفری واجد مشروعیت میباشد و وسعت مجوز این نوع دفاع تاچه میزان است؟ آیا این مجوز دفاع فقط در داخل مرزهای ایران به اقدامات مسلحانه مشروعیت می بخشد یا فراسوی مرزهای این کشور نیز، دفاع از خود و دیگری واجد مشروعیت بین المللی است.

داعش:

داعش در مخفف و با نام کامل دولت اسلامی عراق و شام و در زبان عربی الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام در سال (۲۰۱۴) مدعی خلافت جهانی بر پایه ی حکومت اسلامی شد. این گروهک تروریستی به رهبری ابوبکر البغدادی که جدا شده از گروهک تروریستی القاعده، متشکل از مجاهدین سلفی، وارد جنگ با دولت عراق و سوریه شد. در ادامه به چگونگی تشکیل این گروهک و ساختارهای اعتقادی، مذهبی و سیاسی و این گروهک پرداخته شده است.

- چگونگی تشکیل داعش

پس از سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق توسط آمریکا ابومصعب الزرقاوی گروهک تروریستی القاعده را جهت مقابله و جنگ با نیروهای امریکایی تشکیل داد. ریشه های تشکیلات داعش به گروهک تروریستی (القاعده ی عراق) باز میگردد که به لحاظ فکری اعتقادات ایشان برگرفته شده از اندیشه های افراطی ابن تیمیه است . در سال ۲۰۰۶ با مرگ ابو مصعب الزرقاوی، ابویوب المصری جانشین وی شد. ریاست ابو ایوب نیز تا زمان مرگش به طول انجامید و شخصی ملقب به ابو دائو موسوم به ابو بکر البغدادی ریاست گروه را بر عهده گرفت. وی اقدام به تاسیس دولت اسلامی نمود. تاسیس خلافت خود خوانده ی

داعش حتی در رویای افرادی چون ابوموسی الزرقاوی هم نمیگنجید و تا چند سال پیش برای طرفداران گروه های جهادی نیز غیر ممکن به نظر می رسید. (داوری، ص ۱۹)

در اپریل ۲۰۱۳ ابوبکر ابغدادی طی پیامی صوتی داعش و جبهه ی النصره که یکی از گروه های تروریستی در سوریه میباشد را به صورت رسمی اعلام و خود را شاخه ای از تشکیلات القاعده معرفی کرد. این درحالی بود که هردو تشکیلات جبهه ی النصره به رهبری ابومحمد الجولانی و داعش به صورت مجزا فعالیت میکردند. قدرت نفوذ ابغدادی چنان بالا بود که گروه های خارج از مرز را نیز تحت تاثیر قرار داد تا بدانجا که دیگر ابغدادی از اوامر فرمانده ی القاعده سر باز زد و در این زمان ایمن الضواهری طی پیامی پس از اظهار نگرانی به موجب اقدامات داعش کرده و هرگونه همکاری با داعش را از آن پس به بعد انکار کرد. این گروهک خود را حکومت یا دولت اسلامی معرفی کرده بود و فرمانده ی آن نیز خود را خلیفه ی مسلمین اعلام داشته بود. داعش در ابتدا منطقه ی وسیعی از سوریه و عراق را در اختیار گرفت و هدف آن در قدم اول، تصرف تمام عراق و منطقه ی شامات بود. اما شبه جزیره ی عربستان و شمال آفریقا و اندلس تا خراسان بزرگ نیز در نقشه ی فرضی و ترسیمی آنها وجود داشت. این گروهک در نهایت متصرفات خود را از دست داد.

- ایدئولوژی اعتقادی داعش

اعتقادات گروهک داعش بر اساس جهادگری سلفی و خود سلفی گری و وهابیت میباشد که در تمام موارد افراطی گری ایشان به وضوح مشخص است. همانطور که بیان شد داعش ادامه ی گروهک تروریستی سلفی جهادی القاعده که در عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی اداره میشد، بود. ابومصعبی الزرقاوی پیرو فتوهای ابن تیمیه بود و ابوبکر ابغدادی نیز با استناد به فتوهای وی در مقام خلیفه ی خودخوانده ی مسلمانان جهان اقدام به عمل مینمود. افکار ابن تیمیه روشن و صریح است. او با عقل به کلی مخالف است و خواستار الغاء عملکرد عقل از تمام شئون زندگی است و با فکر کردن و اندیشیدن دشمن است مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای نقل احادیث باشد. او در این زمینه میگوید: «دلایل عقلی درست وقتی قابل شنیدن است که مخالف با اخبار انبیا نباشد و فکر و عقلی که با اخبار و احادیث مخالف باشد نه عقل است و نه فکر. پس دلایل عقلی در برابر دلایل نقلی فاقد ارزشمندی هستند. ابن تیمیه با این گفتار راه را بر عقل و اندیشه ممنوع ساخته است و عملاً دعوت به جمود و تحجر فکری و عقلی کرده است و برای فکر کردن و اندیشیدن خطوط قرمز بسیاری را معین ساخته است و میگوید سلف صالح به نیابت ما اسلوبها و روشها را تعیین نموده است و ما باید تبعیت و تقلید نماییم. ما باید تماماً در خط و اسلوب و کردا و گفتار سلف صالح راه برویم و نقش ما تابعیت است و این به نفع ما میباشد حتی ممکن است از نظر ظاهر هم نفع و سودی در تقلید و انجام یک تکلیف وجود نداشته باشد با این وجود ملزم به تبعیت هستیم و برای این که این تبعیت است که ما را به انبیا نزدیک میکند و چنین بیان میدارد: «و لهذا نحن ننتفع بنفس متابعتنا لرسول الله (ص) و السابقین من المهاجرین و الانصار، فی اعمال لو لا انهم فعلوا لربما قد لا یكون لنا فیها مصلحة لما یورث ذلک من محبتهم، و ائتلاف قلوبنا بقلوبهم، و ان کان یدعونا الی موافقهم فی امور آخری الی غیر ذلک من الفوائد.» واضح است که این کلام دشمنی با هرگونه تفکر است برای اینکه فاصله ی ما با زمان صحابه و با زمان ابن تیمیه متفاوت بوده و نیازهای عصر ما با آن دوره فرق های زیادی دارد.

این تقید افراطی به ظواهر و کتاب و سنت پیامبر، دشمنی با بکارگیری عقل در درک معارف و حیانی و جب بالاتر نرفتن از معانی آیات و نگرشی سطحی نسبت به آیات را موجب میشود. داعش با ادعای استناد به آیات و احادیث و روایات و سیره ی پیامبر اسلام به جنایات خود جنبه ی اسلامی و شرعی میداد. سلفی های تکفیری توحید را تنها در توحید عبادی تفسیر میکنند تا آنجا که گویی توحید، مترادف با عبادت است و از این رو بسیاری از مسلمانان را مشرک میپندارند چرا که آنان مفهوم عبادت را بسیار گسترده میپندارند و به جز اعمالی مانند روز روزه، نماز، زکات و حج و راست گویی، اموری همچون مطلق

نذر، ذبح کمک خواستن، استعانت و توسل را به هر صورت و نیتی که انجام بشود، مصداق عبادت و در نتیجه انجام آن را برای غیر خدا شرک میدانند. در اعتقادات داعشی تاکید بر اصل جهاد تفاوت زیادی با عقیده شیعی سنتی و فقه شیعه دیده میشود. تکفیری ها جهاد را برای تغییر حکومتها و اقامه ی دولت اسلامی مد نظرشان، یک واجب عینی بر زن و مرد مسلمان میدانند.

برداشت ایشان بدین گونه است که جهاد را دلیل بر مشروعیت قتال خود ارائه میدهند. آنچه در رویکرد جهادی گروه های تکفیری به ویژه گروه داعش دیده میشود تاکید بر جهاد با مسلمانان به جای دشمنان دنیای اسلام (رژیم صهیونیستی و غرب) است. عبد الاسلام فرج با توجه به دیدگاه ابن تیمیه در باب جهاد، جنگ با عدو قریب را اولی بر جنگ با عدو بعید مینماید. مفهوم و کاربرد جهاد در اندیشه ی تکفیری به ویژه آنچه داعش در عراق و سوریه از آن بهره میگیرد، اساسا با مبانی اندیشه ی دینی فقه اهل سنت و فقه شیعی بیگانه است. از نظر فقهای اهل سنت اگر مصلحت اسلام و مسلمانان ایجاب کند، جهاد ابتدایی چه حاکم عادل باشد و چه فاسق، واجب است. (مدرس، محمد ولی و دیگران)

درعین حال از نظر بسیاری از فقهای اهل سنت وجوب جهاد به معنای وجود تقابل همیشگی میان مسلمانان و غیر مسلمانان نیست بلکه جهاد به منزله ی آخرین راه حل برای تثبیت مصالح اسلام و مسلمانان است. این گروهک نسبت به شیعیان و اعتقاداتشان واکنشی ستیزجویانه را پیش گرفته اند. داعش به استناد به روایتی از پیامبر که میفرمایند: «بهریزید از آنچه در دین نو و جدید آورده شده زیرا هر نو و جدید در دین بدعت است و هر بدعت در دین ضلالت گمراهی است. به عقیده ی ایشان هر آنچه در ۳ قرن نخستین اسلام وجود نداشته باشد بدعت محسوب میشود و خارج از محدوده ی شریعت میگردد. این دیدگاه سطحی و افراطی موجب فتاوی عجیب نظیر حرام شمردن پنکه، اتوموبیل، ماشین لباس شویی و... است. حتی در مناطق تحت تصرف خود اعلام به مجازات انجام و استفاده از موارد بدعت نموده بود. به عنوان مثال، برگزاری مراسم ختم برای شخص متوفی، برگزاری نماز عید فطر در روز عید سعید فطر پس از پایان ماه مبارک رمضان، طواف به دور کعبه، توسل به بارگاه های ملکوتی پیامبر و ائمه ی اطهار و چندین و چند از این نوع فتاوی خاص و جهل امیز را ممنوع و دارای مجازات بر شمرده بود که هرکس اعمال مذکور را در ملاء عام یا محافل خصوصی به جای آورد مرتکب فعل حرام شده و مستحق کیفر میباشد. در وحشی گری و خشونت داعش شکی نیست و آنها برای دستیابی به اهداف خود افراد بیگانه بی شماری را به طرق مختلف از قبیل اعدام های بسیار در منظر عمومی، استفاده از ساطور و شمشیر در قطع کردن گردن، سوزاندن افراد درون قفس های بسته و فولادی، خراب کردن دیوار بر روی فرد، به پایین انداختن فرد از بالای بلندی، خفه کردن در آب با دست ها و پاهای بسته و... به قتل رساند. از اهداف اصلی داعش قتل عام شیعیان است که به زعم ایشان شیعیان از دین خارج شده و آنها را با عنوان رافضی مستحق مرگ میدانند و این قتلها وجب ثوابها و پادشاهای اخروی و دنیوی بسیاری برای فاعل این عمل بسیار ارزشمند می گردد.

- اندیشه های سیاسی - اجتماعی داعش

داعش به عنوان دولتی اسلامی مدعای حکومتی جهانی بر پایه ی دین اسلام میباشد. در اندیشه های سیاسی اسلام با سه مولفه ی عقاید سیاسی، اخلاق در سیاست و احکام سیاسی مواجه هستیم.

عقاید سیاسی از نگاهی همان اصول دین است که بایستی یقین آوری برای فرد داشته باشد ولی احکام و اخلاق سیاسی اینگونه نبوده و با تقلید جایز شمرده میشود. در اندیشه ی سیاسی داعش در خصوص حکومت خود خوانده شان و شناختن ابوبکر البغدادی به عنوان، در صدد تسلط و اداره ی جهانی برآمدند و مطابق نقشه ی پنج ساله ی آنها، احیای خلافت و جغرافیای ایشان باز میگردد به دوران حکومت اسلامی عثمانی که در نظر ایشان، امپراطوری عثمانی را دشمنان اسلام برای تضعیف مسلمانان و اسلام از هم پاشیده و به قسمتهای کوچکتر تبدیل کردند.

در نتیجه رهبران داعشی برای جامه‌ی عمل پوشاندن به رویای خلافت اسلامی روی این منطقه، (مناطق‌ی که در دوران امپراطوری عثمانی تحت لوای حاکمیت اسلام بود) سرمایه‌گذاری بسیاری کردند و با تشکیل گروه‌های وابسته در افزایش وسعت مرزهای زمینی از سمت کشورهای شمال آفریقا در حوزه فعالیتشان در تلاش‌اند. (صدر الحسینی، ص ۵۹) در رابطه با امامت و رهبری داعش در انتخاب امام هیچ توضیحی نمی‌دهد ولی امامان جماعت و فرقه‌ها را در نقش رهبری دینی و سیاسی مشمول عنوان امامت میدانند.

در روزنامه‌ی دابق این نتیجه مشاهده می‌گردد که در نقل روایتی، شخصی در خانه‌ی خدا شخصی از خلیفه‌ی اول پرسش امام کیست را مطرح میکند و وی در جواب آن شخص اینچنین پاسخ می‌دهد: «امام در واقع همان مردمانی که در قبیله و زادگاهت تو را رهبری میکنند.» نتیجه می‌گیرد: «امام در واقع همان رهبری سیاسی است که مفسران در احادیث به کار می‌برند تا گواهی بر نشان بنیادین آن باشد که از ضروریات شرایط زمان ابوبکر بود.

در رابطه با این نتیجه میان اهل تسنن که مقوله‌ی امام را در منظومه‌ی اعتقادی و سیاسی خود وارد نکرده‌اند بحثی نیست اما در میان شیعیان امام جماعت‌ها یا علمای مسلمان وظیفه‌ی آگاه کردن افراد با شریعت را دارند و نه آنکه وظیفه‌ی امامت را عهده‌دار گردند. در رابطه با عقیده‌ی جنگ میان تکفیری‌ها اولین کلمه‌ای که پیش از باقی کلمات در اخبار و رسانه‌ها در رابطه با داعشی‌ها به چشم می‌خورد واژه‌ی جهاد است. جهاد در لغت به معنای کوشیدن همراه با فداکاری در راه خدا با جان، مال و دیگر داشته‌های انسانی است. به جنگ‌ها و مبارزاتی که با هدف گسترش اسلام و یا دفاع از آن انجام می‌شود را جهاد گویند. جهاد از ابواب مهم فقهی است که به دو نوع جهاد اکبر و جهاد اصغر تقسیم می‌شود. جهاد اکبر جهت جلوگیری از وسوسه‌های نفسانی و درونی است و جهاد اصغر نیز به معنای جنگ با دشمنان اسلام است. دو نوع جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی که جهاد ابتدایی به معنای جنگ با مشرکان و کفار برای دعوت آنان به اسلام و توحید و برقراری عدالت است. در این نوع از جهاد که مسلمانان در آنها درگیر نبرد هستند، هدف از بین بردن سیطره و کفر و فراهم آوردن گسترش دین الهی است. جهاد ابتدایی نیز شرایطی دارد که در برابر سه گروه این جهاد واجب است. جهاد با کفار غیر کتابی، جهاد با باغیان، جهاد با کفار کتابی غیر ذمی یا ذمی که شرایط ذمه را نادیده گرفته‌اند.

جهاد یکی از اصلی‌ترین عناصر گفتمان اسلام‌گرایی افراطی است. گروه افراطی داعش جهاد اکبر را که مبارزه با نفس است، نادیده می‌گیرد و به جهاد اصغر که مبارزه با کفار است؛ شاخ و برگ می‌دهد. تا جایی که نام و لقب خود را گروه تکفیری جهادی برمی‌گزینند و به نام جهاد به انواع اعمال تروریستی خشونت آمیز دست می‌زنند. آن‌ها مفهوم جهاد را عامیانه ظاهر کرده‌اند به گونه‌ای که جهاد و جنگ و ترور دشمنان امری ضروری و تکامل بخش و دعوتی مسالمت آمیز به تشکیل حکومت اسلامی باشد. آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه کسی را موجه جلوه می‌دهند و آن را جهاد در راه خدا تفسیر می‌کنند. (شرف، صص ۱۷۷-۲۰۶)

بنابراین ذات و درون مایه‌ی جهاد در داعش، ماهیتی صرفاً ارهابی، ارعابی و هراس‌انگیز می‌آید و حتی بعضاً آنرا از واجبات اسلامی دیگر واجب میدانند. تکفیری‌بودن داعش، سعه‌ی صدر را در برابر تشکیل حکومت اسلامی بر نمیتابیدند و کوشیدند با اعمال خشن به سرعت جامعه‌ی کافر شده را به جامعه‌ی مسلمان تبدیل کنند. آنان با بهره‌گیری از خلافت اسلامی و وفاداری به آن به عنوان نماد حکومت اسلامی خواهان حرکت‌های خشن و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی بودند. سخنان البغدادی مبنی بر اینکه برای آگاهی مردم آمده است و توده به عنوان رعیت باید از خلیفه‌ی مسلمین اطاعت کند تا حکومت اسلامی برقرار شود. (نجات، ص ۱۹)

- ساختار تشکیلاتی داعش

تشکیل داعش بر پایه ی حکومت اسلامی به عنوان یک دولت خودخوانده نیازمند تشکیلاتی جهت پدید آمدن ساختاری حکومتی بود. از آنجا که ابوبکر البغدادی خود را خلیفه ی حکومتش خوانده بود؛ حکومتش را نیز اسلامی اعلان داشته بود و بنابر رفتارها و کردارهای ایشان و نیز بیانیه ی وی که هدف خود را که همان توسعه ی حکومتش تا مرزهای حکومت عثمانی به منصفه ی ظهور میرساند بود؛ متوجه طرز تفکر وی و آن حکومت اسلامی مد نظرش می شویم. در خلافت اسلامی نیز حرف اول و آخر حرف خلیفه است. اگر این ساختار را به هرمی تشبیه کنیم خلیفه در راس آن و دیگر فرماندهان و افسران در ذیل نوک هرم قرار میگیرند. تمامی اعضای اصلی داعش توسط شخص خلیفه تعیین و مورد نظارت قرار میگردند. خلیفه با هر آنکس که مخالف خواسته هایش عمل میکرد با تندی و خشونت پاسخش را میداد. ابوبکر البغدادی برای شهرهای به اصطلاح تحت خلافتش والیان و فرماندارانی منتصب کرده بود. وی ابتدا ابو میسره ابو عبدالقادر الجزاع را به عنوان والی بغداد و سپس ابو مهند لطیف حمید را به عنوان والی الانبار برگزید. همچنین داعش نمایندگانی را برای امور گوناگون و فرماندهان نظامی قدرتمندی را که در رژیم بعث از فرماندهان ارشد و کارکنان ی صدام بودند را جهت امور جنگی برگزید. (عباسی، صص ۹۳-۱۲۰)

این تشکیلات از شوراهایی پدید آمده بودند که زیر نظر مستقیم البغدادی فعالیت میکردند. مثلاً یکی از شوراهای مذکور، شورای نظامی بود که توسط ابو احمد العلونی و پس از مرگش ابو حمزه مهاجر به عنوان رئیس شورا، فعالیت میکردند. انتخاب فرمانده ی شورای نظامی پس از مشورت البغدادی با شورا، توسط وی انتخاب میشد. مجلس شورای فوق از ۱۱ عضو تشکیل می شد که این افراد توسط شخصی که خود ابوبکر البغدادی انتخاب میکرد، هدایت میشدند و در امر صلاحیت والیان و فرمانداران به خلیفه مشاور میدادند. کنار شورای نظامی و شورای مجلس، وظیفه ی هماهنگی ترورها، جابجایی و محل اقامت خلیفه، ارتباط و ساماندهی میان دیگر دستگاه ها و در نهایت جلوگیری از جاسوسی و نفوذ به داخل گروهک، بر عهده ی شورای امنیت بود که توسط شخصی به نام ابو الانباری ریاست میشد.

از آنجایی که حکومت اسلامی البغدادی، حکومتی سخت گیر در امور شرعی و قضائی بود تشکیلاتی به نام هیأت های شرعی که وظایفی همچون تعیین حدود قضا، امر به معروف و نهی از منکر و مسائلی از این قبیل را بر عهده داشت. بعد ها این هیأت به طور رسمی به وزارت ارشاد مبدل گشت و عهده دار امور قضاوت و رسیدگی به دعاوی، اجرای حدود شرعی و امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به شهادت در راه اسلام و اجرای فرامین جهادی شد. در کنار این تشکیلات وظیفه ی فعالیت رسانه ای در فضای اینترنتی با تهیه ی کلیپهایی از جنایات گروهک تروریستی داعش و همچنین سخنرانی های شخص خلیفه بر عهده ی پایگاه های الکترونیکی و شبکه های اینترنتی موسوم به جهاد بود. بسیاری از نیروهای این موسسات به صورت آشکار و نهان، عمدتاً از کشورهای حاشیه ی خلیج فارس بوده و از تخصص ویژه ای در امور تبلیغات رسانه ای و اینترنتی را دارا بودند.

دفاع پیشدستانه

در ابتدا می بایست به بررسی دو واژه دفاع پیشدستانه به صورت مجزا پرداخت و آن را مورد واکاوی قرار داد. واژه ی دفاع در معنای لغوی آن یعنی دور کردن از کسی یا دفع کردن از کسی یا حفظ کردن و بازداشتن و پس زدن است. در فقه اسلامی اصطلاح دفاع در مقابل جهاد است و آن در موقعی است که دشمنان بر مردم مسلمان هجوم آورند یا حمله نمایند و آن بر همه ی افراد واجب است. (دهخدا، ۲۶۸) دفاع از حقوق اولیه ی هر فردی است جهت حفظ مال و جان و عرض و ناموس خود.

(سجادی، ۳۲۵) اما در فرهنگ حقوقی دفاع یعنی مدعی علیه حقوق ادعایی ارائه شده توسط مدعی را انکار کند و در واقع پاسخ طرف مقابل در هر دعوی را گویند.

اما پیشدستانه عمل کردن در امری، در معنای لغوی آن یعنی سبقت جستن در کاری، پیشی گرفتن و تقدم جستن می باشد. دفاع پیشدستانه ی صورت گرفته از سوی کشورها در مقابله با تهدیدات و یا احتمال وقوع حملات در فصل های بعد به صورت کامل بررسی گشته است لکن مطلبی که در اینجا حائز اهمیت است، وجود نوع دیگری از دفاع به نام دفاع پیشگیرانه است که نباید آن را با دفاع پیشدستانه اشتباه گرفت.

دفاع پیشدستانه در جواب به هجوم یا حمله یا احتمال قوی حمله در آینده ی نزدیک صورت میپذیرد در حالی که دفاع پیشگیرانه که از آن به عنوان عملی غیرقانونی نیز یاد میشود، بهانه ای برای هجوم به کشوری است که نه حمله ای از جانب وی صورت گرفته و نه قرائنی مبنی بر احتمال وقوع حمله از سمت آن کشور در دست است هرچند آن کشور سابقه ی خوبی هم نداشته باشد، لکن بیم استفاده از تسلیحات یا استفاده ی کشور هدف، از جنگ در منطقه برای دستیابی به خواسته های خود میرود که به صورت جنگ پیشگیرانه از آن جلوگیری میشود. این نوع دفاع هیچ گونه وجه قانونی عرفی ندارد چرا که نه مجوزی از سوی شورای امنیت سازمان ملل در روابط بین المللی دارد و نه از استثنائات اصل عدم توسل به زور در قوانین بین المللی سازمان ملل میباشد. واژه ی دفاع پیشدستانه در معادل لغوی آن به زبان انگلیسی یعنی (pre-defense)، یا دفاع مشروع که در قوانین بین المللی تفاسیر آنها بحث شده است، واژه ی (preemptive legitimate defense) است. قابل ذکر است اصطلاح پذیرفته شده ی (Anticipatory self – defense) به معنای دفاع مشروع بازدارنده در مقابل حمله ی قریب الوقوع با معادل انگلیسی (Imminent attack) می باشد که جامعه ی مشروعیت به خود میگیرد و در غیر این صورت غیر قانونی و نامشروع است.

– دفاع پیشدستانه در حقوق بین الملل

بانیان سازمان ملل متحد با در نظر داشت میثاق جامعه ملل و ضعف ساختاری و قانونی آن که در آن تحت شرایط خاصی توسط به جنگ را مجاز میدانست، اینبار درصد برآمدند تا کاربرد یکجانبه زور در روابط بین الملل را بصورت کلی ممنوع سازند. فلذا براساس منشور ملل متحد کشورها حق کاربرد زور در روابط خارجی خود را ندارند. براین قاعده آمره کلی، تنها دو استثناء وارد شده است. یکی براساس امنیت جمعی مبتنی بر اصول ۳۹ تا ۴۲ منشور که از طریق صدور قطعنامه های لازم الاجرا و کاربرد جمعی زور توسط ملل متحد صورت می پذیرد، و دیگری حق ذاتی دفاع از خود مبتنی بر اصل ۵۱ که در پاسخ به یک تهاجم مسلحانه توسط کشور قربانی صورت میپذیرد.

موضوعی تحت عنوان دفاع پیشدستانه در هیچ کجای منشور مندرج نگشته است و این قاعده تنها از تفسیر موسع اصل ۵۱ برداشت میشود. قاعده مذکور مبنائی بسیار خطرناک را در روابط بین الملل بنیان گذارده است ایالات متحده با استناد به این قاعده پس از تهاجم به عراق و تغییر رژیم این کشور و همچنین اعمال قتل هدفمند افرادی که آنها را رهبر یا اعضای گروههای تروریستی میخواند، در صدد خلق قاعده ای عرفی در حقوق بین الملل میباشد که از آن به عنوان عرف آنی در یاد میکنند. مفهوم دفاع از خود پیشدستانه ریشه در حقوق بین الملل عرفی دارد اما بدلیل فقدان موضوعیت آن و همچنین با توجه به استقرار حقوق بین الملل مدرن، با تصویب منشور ملل متحد، و همچنین تاکید موکد این سند بین المللی بر ممنوعیت کامل و جامع کاربرد زور یکجانبه در روابط بین الملل، هیچگاه بصورتی جدی به آن پرداخته نشده بود. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر این مفهوم تکوین یافته و بدلیل عدم کفایت و بسندگی منشور ملل متحد در مواجهه با معضل تروریسم، زیربنائی تئوریک برای ایالات متحده برای مبارزه با تروریسم فراهم آورد. قطعاً عدم مخالفت جدی و سازمان یافته دولتها و سازمانهای بین المللی با این عملیات، علاوه بر این ایجاد رویه در حقوق بین الملل، موجبات ناامنی و بی ثباتی در روابط بین الملل را

فراهم آورده و مبانی خواهد شد تا براساس آن هرکشوری با بهانه های واقعی یا واهی به سایر کشورها تهاجم نموده و این عمل خویش را با استناد به قاعده دفاع مشروع پیشدستانه توجیه نماید. پس این امر نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه ابعاد و وجوه چندگانه آن در مراکز مطالعاتی و آکادمیک بصورتی مستمر میباشد. (ظریف، ص ۴۳)

دفاع پیشدستانه در مقابل حمله پیشدستانه از معنا و مفهوم متفاوتی برخوردار است زیرا که دفاع حق ذاتی هر شخص است چنانکه منشور ملل متحد دفاع در صورت وقوع تهاجم را اینگونه تعریف کرده است: «حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله ی مسلحانه به یک کشور، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین المللی اتخاذ نماید.» بنابراین در صورت وقوع حمله به کشوری دفاع برای آن کشور حق طبیعی است اما در صورتی که هنوز حمله ای علیه کشور هدف صورت نگرفته باشد ولی احتمال قریب الوقوع بودن حمله از سوی دشمن در مظان کشور هدف بگنجد را، طبق تفسیری موسع از ماده ۵۱ منشور ملل متحد؛ میتوان به صورت دفاع پیشدستانه و استفاده از اقدامات مسلحانه از تهاجم پیشگیری نمود که ان هم تحت شرایطی مجاز است. در تفسیر موسع موافقان دفاع مشروع پیشدستانه به شرح ذیل عنوان دلیل میکنند:

«انان با رد قرائت لفظی و تفسیر مضیق اصل ۵۱ منشور، اعتقاد دارند میبایست این ماده را بطور موسع تفسیر کرد زیرا برای اهداف منشور هجوآمیز است که دولت مدافع مجبور باشد، منتظر حمله نخست دشمن مهاجم که احتمالا منهدم کننده و نابودساز نیز هست بماند. بنابراین قرائت لفظی ماده ۵۱ به حمایت از حق حمله نخست متجاوز منجر میشود. از اینرو به منظور اجتناب از این نتیجه باید اینگونه عنوان شود که ماده ۵۱ «حق ذاتی دفاع مشروع» را که پیش از تصویب منشور ملل متحد توسعه یافته بوده است، مورد شناسائی قرار داده است.»

یکی از حقوقدانان چنین استدلال میکند که باتوجه به توسعه حقوق بین الملل ناظر بر توسل به زور طی قرون متمادی، مهمترین هدف این حقوق برخورد با تهدیدات متعارف ناشی از بازیگران متعارف یعنی دولتها بوده است. هم سلاهای کشتار جمعی و هم تروریسم بین الملل، تهدیداتی را متوجه صلح و امنیت بین المللی نموده اند که ازسوی حقوق بین الملل سنتی قابل پیشبینی نبوده است. هنگامی تدوین منشور درسال ۱۹۴۵ بنیانگذاران آن درپی جلوگیری از بروز انواع مناقشاتی بودند که درجنگ جهانی دوم وقوع یافته بود. یعنی شرایطی که درآن نیروهای منظم یک دولت، بصورتی آشکار اقدام به تجاوز علیه دیگر دولتها مینمود. پس نه سلاهای کشتارجمعی و نه بازیگران غیردولتی، دراین چارچوب مدنظر نبوده اند. تعیین این امر که کدام دولت دارای سلاح هسته ای است و چه زمانی درنظر دارد از آنها استفاده کند کاری بس دشوار بوده پس مشکل بتوان در مقابل آن دفاع موثری به عمل آورد. به همین سان تروریستها نیز از تاکتیک هایی استفاده میکنند که بسیار دشوار، بلکه غیرممکن است که زمان وقوع حملات آنان را دریافت، یا پا به پای آنها اقداماتشان را ردیابی نمود.

در حقیقت نیز اینچنین است؛ چه بسا هنگام برآمدن داعش و تسلط بر مناطق زیادی از عراق و سوریه طی کمترین زمان ممکن، هیچ یک از دولتهای مورد هدف به ذهنشان هم چنان وضعیتی خطور نمیکرد ولیکن این اتفاق افتاد. در خصوص بازیگران متعارف بین المللی، دولتها نیز این امر صادق است. چنانچه کشوری در صدد حمله به کشور دیگر برآید؛ ایا کشور هدف بایستی منتظر نخستین حمله بماند و سپس از خود دفاع کند؟ ان هم در عصر موشکی و اتمی که با فشردن چند کلید مناطقی از زمین با هرآنچه در ان وجود دارد به خاکستر تبدیل میشود. در این خصوص نظریه ای دیگر وجود دارد که تلفیقی از موارد ۵۱ که حق دفاع مشروع را بیان میدارد، با مواد ۳۹ و ۴۲ منشور ملل متحد میباشد. ماده ی ۳۹ منشور مجوزی را به شورای امنیت در خصوص جلوگیری از برهم زدن امنیت و صلح بین المللی و تهدید علیه آن را میدهد که هنوز فعلیت نیافته اند و شورا میتواند پیش از رسیدن به منصفه ی ظهور اقدامات مذکور، از ان جلوگیری کند. ماده ۴۲ نیز به شورا اجازه ی کاربرد از نیروهای هوایی، دریایی و زمینی را داده است تا امنیت و صلح از دست رفته توسط اقدامات ناقض امنیت و صلح بین المللی را؛ به حالت قبل بازگرداند.

حال این دو اصل (۳۹ و ۴۲) را با هم بخوانید: «شورای امنیت اختیار دارد تا از نیروی نظامی علیه تهدید علیه صلح استفاده نماید.» این مفهوم همان مفهوم جنگ پیشدستانه است. این نظریه در حقیقت تلفیقی از ماده ۵۱ منشور با مواد ۳۹ و ۴۲ است که سعی دارد تهدید ملحوظ در مواد ۳۹ و ۴۲ را با دفاع مشروع ماده ۵۱ پیوند زده و این امکان را فراهم کند که دولت‌ها بتوانند براساس آن، افزون بر حملات مسلحانه، در برابر تهدیدات احتمالی نیز به دفاع مشروع پیشدستانه دست یازند. به نظر میرسد تلاش مشابهی نیز با مرتبط کردن اصل ۵۱ و بند ۴ اصل ۲ منشور به عمل آمده است. (زمانی، ص ۱۰۷)

دفاع پیشدستانه بایستی واجد دلایل و قرائن مشهود تهدید به حمله ی مسلحانه قریب الوقوع یا فعلیت یافته و قطعا بر اساس ادعای تهدیدات حتمی در زمان و مکانی معلوم صورت پذیرد و در غیر اینصورت اقدام به این عمل فاقد وجاهت قانونی را از منظر حقوق بین الملل داراست. در صورت نقض قوانین حقوق بین الملل و امنیت منطقه با حمله ی مسلحانه به یکی از اعضا شورای امنیت هرچه سریعتر بایستی اقدام به پیشگیری نماید یا آن که پاسخ به حملات نظامی تجاوز کارانه ی دولت های قربانی با توسل به اقدامات مسلحانه را به رسمیت بشناسد. وجود عبارات مبهم و امکان برداشت ها و تفاسیر متفاوت از اصول بین المللی مانند اصل ۵۱ منشور بهتر است از میان برداشته شود و اصلی صریح راجع به دفاع از خود پیشدستانه در حقوق بین الملل وضع گردد تا از سو استفاده های برخی دولت‌ها که حملات و اقدامات نظامی خود را با توسل به دفاع مشروع واجد وجهه ی مشروع میدانند جلوگیری شود. دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی بایستی حملات نظامی فاقد مشروعیت را که با عنوان دفاع مشروع صورت میپذیرد را با مخالفت جدی خود روبرو سازند. در غیر اینصورت این اقدام تبدیل به عرفی بین المللی جهت عملیات نظامی و حملات مسلحانه توسط قدرتهای بزرگ جهانی خواهد شد.

نتیجه گیری

گروهک تروریستی داعش پس از حملات برق آسا و حمایت‌های غربی عربی خویش، به سرعت مناطق وسیعی از کشورهای عراق و سوریه را تحت تسلط خود درآورد و خود درآ به عنوان حکومت اسلامی به جهانیان اعلام کرد. این بازیگر غیر دولتی پس از تسلط به مناطق مذکور، مناطقی را که در نظر داشت تحت لوای حکومت اسلامی خودخوانده اش بیفزاید و بر آن حکومت کند را اعلام داشت که کشور ایران نیز یکی از آن موارد بود و این یعنی اعلان جنگ رسمی از سوی این گروهک به دولت ایران که علی رغم حملات تروریستی و ایجاد نا امنی ها در مرزهای ایران و تلاش برای آنچه که در سوریه بدست آورده بود، نتیجه ای در بر نداشت و به اهداف خود در این خصوص دست نیازید.

انواع تهدید به جنگ و توسل به زور از سوی داعش علیه دولت ایران، مطابق اسناد و معاهدات بین المللی، انچنانکه در فصول قبل بیان شد، طبق اصول ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد، حق دفاع را برای قربانی جنگ یعنی دولت ایران که که هدف داعش نیز اعلام شده بود، به رسمیت شناخته میشود و نیز با توجه به تفسیری موسع از اصل ۵۱ دولت ایران با توسل به دفاع مسلحانه ان هم به صورت پیشدستانه حق رفتن به مصاف داعش را برای خود محفوظ داشت. در اینجا لازم بود جهت جنگ خارج از مرزها و پیشدستی در دفاع، مطابق با شرایط و قیود اصل دفاع مشروع، که در این خصوص دفاع از جان و مال دیگری میباشد، و نیز ناتوانی قربانی از دفاع مقابل حمله و تهاجم دشمن و به شرط طلب کمک، برای دولت ایران محرز میگشت که این نیز شد و اعلام درخواست کمک دولتهای مزبور از ایران جهت حضور نظامیان ایرانی در خاک این کشورها به صراحت بیان شد. ایجاد ناامنی های گسترده در منطقه ی ایران، عراق، شام و نقض قوانین بین الملل کیفری و اقدامات وحشیانه ی این گروهک همچنان که بیان شد، از بزرگ ترین تهدیدات بین المللی برای کشورهای جهان بخصوص منطقه ی خاورمیانه محسوب میشود. مطابق با اصول دیوان بین المللی کیفری، اساسنامه-ی دیوان به صراحت در ماده ی ۶ و ۷ و ۸ و ۸ مکرر، به ترتیب جنایات

نسل کشی، جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی، و تجاوز نظامی بیان شده است که مبنای دقیقی برای تطبیق اقدامات داعش با این جنایات بین المللی در منطقه است.

اقداماتی چون نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به صراحت به قید حمله ی نظامی، نسل کشی اعلام شده است که در خصوص داعش مبنی بر نابود سازی و پاکسازی قومی - مذهبی شیعیان و اهل تسنن و هرکس که با عقاید ایشان مخالف بود و به صورت موردی ایزدی های ساکن در سنجار عراق، مرز میان سوریه و عراق، که ائینی خدایپرستانه را دارند، جنایت نسل کشی را انجام دادند. حملات گسترده و سازمان یافته ی این گروهک به مناطق عراق و شامات و قتل و کشتار مردمان این کشورها اعم از نظامی و غیر نظامی، انتقال اجباری افراد، تجاوز باعنف، اقدامات جنسی وحشیانه و... بیانگر آنچه در ماده ۷ اساسنامه رُم است که از جنایت علیه بشریت یاد میشود. جرم جنایت جنگی نیز از مصادیق اصلی و دلیل مهم جنبه ی کیفری اقدامات این گروهک محسوب میشود. منازعات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی نقض فاحش حقوق بین الملل و سایر عرف های بین المللی است که در این منازعات مسلحانه ی خصمانه اقداماتی چون قتل های هدفمند نظامی های تسلیم شده و اعدام و شکنجه و مثله کردن و زیر سوال بردن حیثیت و شرف بشری اسرا که در ماده ی ۸ بیان شده را، توسط داعش میتوان به وضوح مشاهده کرد.

منابع

اسماعیل زاده، امامقلی، یاسر، احمدی فشارکی، حسنعلی، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، شماره پیاپی ۴۸، ۱۳۹۵

اشراق، محمد کریم، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، بی چا، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ق ۷۲-

اشرف نظری، علی، المسیری، عبدالعظیم، بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه های فکری- سیاسی و اجتماعی، فصلنامه ی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸، ۱۳۹

اصلانی، فیروز، فردکاردل، محمود، امنیت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای سیاستگذار، فصلنامه حقوق، دوره ۲۴۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱

الزحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ج ۲، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق

بهستانی، مجید، دفاع پیشگیرانه در حقوق بین الملل جدید، فصلنامه ی پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی گواه، شماره ۱۲، ۱۳۸۷

بهسودی و واعظ زاده، ماهیت جنگ و صلح در منازعات بین المللی، مجموع مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، بی چا، مشهد، نشر استان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ش

حاجی تبار فیروزجائی، حسن و دیگران، دفاع مشروع در اساسنامه دادگاه بین الملل کیفری، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، ۱۳۹۴

حلی، علامه حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، بی چا، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق

حلی، علامه حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، ج ۳، بی چا، قم، موسسه امام صادق، ۱۴۲۵ ق

دولت‌شاه، حجت، منشور ملل سازمان ملل متحد، مجد، چاپ ۱۱، ۱۳۹۶

دونل، دانیل، معاهدات بین المللی ضد تروریسم و اعمال تروریستی نیروهای مسلح در درگیری مسلحانه، ترجمه: پیمان نامامیان و سبحان طیبی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۶، ۱۳۹۱

رستمی نژاد، امید، بررسی نقش مکاتب فلسفی حقوق بین الملل در شکل گیری قواعد امره بین المللی با تاکید بر اصل منع

- توسل به زور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه حقوق علوم سیاسی، ۱۳۹۳
- ره بیک، حسن، امنیت ملی و تحدید حقوقی ان، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲، ۱۳۷۷
- زمانی، سید قاسم، توجیه کاربرد غیرقانونی زور در قالب دفاع مشروع، نشریه سیاست دفاعی، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۷۴
- ساعی، احمد، معصومی، مجید، استراتژی تروریسم، امنیت دولت و امنیت فردی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضائی، ۱۳۸۹
- شرف، طاهره، مطالعه ی تطبیقی اندیشه ی سیاسی شیعه وداعش، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۸
- شیرخانی، محمد علی، واسعی زاده، نسیم سادات، سرمایه اجتماعی و امنیت بین المللی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، ۱۳۹۱
- صفائی، حسین، مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۶۷
- صالح بن فوزان، الارشاد الی صحیح الاعتقاد و الرد علی اهل شرک و الاحد، ریاض، نشر دار ابن الجوزی، (۱۴۴۲ ه. ق)
- صدر، محمد باقر، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷
- صید الفوائد، مجموعه فتاوی و مقالات الشیخ عبدالعزیز بن باز، ۱۴۲۴، <http://saaid.net/book/list/php?cat=>
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، مشروعیت جنگ و توسل به زور از دیدگاه حقوق بین الملل، مجله سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، سال پنجم، ۱۳۷۰
- طباطبایی، محمدرضا، فتوحی، سید محمد، تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ، فصلنامه راهبرد جهانی شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم، ۱۳۹۲
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۷
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، قاعره: مکتبه ابن تیمیه ج ۷، ۱۴۱۵
- ظریف، محمد جواد، اهنی امینه، محمد، دفاع مشروع پیشدستانه: مشروعیت کاربرد زور در روابط بین الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره دوازدهم، ۱۳۹۱
- عباسی، محمود، سنخ شناسی داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۶، ۱۳۹۳
- عصاریان نژاد، حسین، عبدالخانی، علی، تهدید در نظریه های امنیت، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۳۸۵
- قاسمی، علی، چهاربخش، ویکتور بارین، تهدید به زور حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۶، ۱۳۹۰
- قاسمی، غلامعلی، ملکی، قاسم، جایگاه حقوقی توسل به زور علیه دولتها با تاکید بر رهیافت اسلامی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۵
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۴
- کلینی، اصول کافی، ترجمه شرح جواد مصطفوی، ج ۵، بی چا، تهران، نور، ۱۳۶۳
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ج ۹، ۱۴۲۹
- گودرزی، هادی، رویکرد دوگانه غرب در مواجهه با تروریسم با تاکید بر گروه تروریستی داعش، اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۳
- لسانی، حسام الدین، یدائی امناب، محسن، امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین المللی از دیدگاه حقوق بین الملل، فصلنامه راهبردی، شماره ۳۹، دوره ۴۱، ۱۳۹۶

لطفی، فروزان، مفهوم شناسی دولتها و حکومتها در نظام حقوق بین الملل، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، دوره سوم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۷

متقی، هندی، کنزالعمال، ج ۴، بی چا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۷۹

محمصانی، صبحی، القانون العلاقات فی الاسلام، بی چا، بیروت، دارالعلم للعالمین، ۱۹۹۲

مدرس، محمد ولی و دیگران، بررسی تطبیقی مبانی فکری و رویکرد عملی داعش با قرآن و سیره نبوت، پژوهشنامه علمی رسانه ی بین الملل، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۵، به نقل از جصاص، ۱۴۲۵ هـ ق

منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه الدوله، بی چا، قم، مرکز العالمی الدراسات جایگاه الاسلامیه، ۱۴۰۸

میر محمد صادقی، حسین، مروری بر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، فصلنامه حقوقی گواه، دانشگاه امام صادق، شماره دو و سه، ۱۳۸۴

میوه بان، میلاد، نقض مقررات حقوق بشر به واسطه علمی استفاده از سلاح های کشتار جمعی، فصلنامه علمی قانون، دوره دوم، شماره پنجم، ۱۳۹۷

نادیه، محمود مصطفی، العلاقات الدوله فی الاسلام وقت الحربی، بی چا، بیروت، العمده العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۶ م

نوروزی، محمد جواد، پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام، معرفت، شماره ششم، ۱۳۷۲

وزان، باری، امنیت در حال گذار، تحول معنای امنیت در قرن ۲۱، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، ۱۳۷۸

واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، دارالاعلمی، ج ۲، ۱۴۰۹ ق